

نشست ۱۵ از مجموع نشست‌های تخصصی مربوط به سومین همایش بین‌المللی نیازها و ضرورت‌های نظام آموزش عالی در جامعه اطلاعاتی
انجمن علمی مدیریت آموزشی، معاونت پژوهشی و فناوری و گروه علوم تربیتی دانشگاه علم و فرهنگ
تحوّل در مدیریت برنامه ریزی درسی و آموزشی با همنهشتی در شرایط یادگیری رابرت گانیه، ابزار هوش مصنوعی، الگوی ده فرمان مدیریت آموزش
در جستجوی الگوی تعلیم و تربیت مناسب در فرهنگ ایرانی اسلامی در عصر هوش مصنوعی

دکتر محمدرضا بهرنگی:

رئیس انجمن علمی مدیریت آموزشی

سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ ساعت ۱۴ تا ۱۶

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آن چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرونست طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد.

برنامه ریزی درسی از منظر رشد مراتب گوهر نهاد و هوش مصنوعی:

محمدرضا بهرنگی

نیکوس کازانتزاکیس، نویسنده و فیلسوف یونانی، در یکی از تأمل‌برانگیزترین روایت‌هایش داستانی نمادین درباره رشد پروانه دارد که مفهوم «در فرایند رشد عجله نکنید» را به زبانی زیبا به تصویر می‌کشد.

داستان پيله و پروانه: کازانتزاکیس تعریف می‌کند که روزی در حال تماشای پيله‌ای بود که در آن پروانه‌ای در حال رشد بود. او که بی‌تاب دیدن پروانه بود، تصمیم گرفت با گرم کردن پيله با نفس خود، روند شکافتن آن را تسریع کند. پروانه زودتر از موعد بیرون آمد، اما بال‌هایش هنوز ضعیف و ناتمام بود. او هرگز نتوانست پرواز کند و مرگش بسیار زود بود.

پیام فلسفی داستان این روایت استعاره‌ای است از رشد طبیعی انسان، تحول درونی، و بلوغ روحی.

که:

- رشد نیازمند زمان است.
 - مداخله زودهنگام حتی با نیت خوب می‌تواند به نابودی منجر شود.
 - رنج و انتظار بخشی ضروری از فرایند تکاملند.
- ما در فرهنگ خود و در آثار بزرگان و اندیشوران فرهنگ ایرانی اسلامی بهترین زمینه و راهنما را در قلمرو حرکت گوهر نهاد یادگیری و آموزش امروزمان در استفاده از ابزار هوش مصنوعی با هدف انسان پروری می‌یابیم. بطور مثال سعدی علیه الرحمه در گلستان بیان می‌دارد:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

حضرت مولانا:

سر من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کسی را دید جان دستور نیست

ادبیات ایران و اسلام در مقایسه انسان و غیر انسان برخوردار از قیاس‌های متعدد برای ابزار هوش مصنوعی است:

اگر آدمی به چشم است و دهان و گوش و بینی چه میان نقش دیوار و میان آدمیت
خور و خواب و خشم و شهوت شغب است و جهل و ظلمت حیوان خبر ندارد ز جهان آدمیت
به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد که همین سخن بگوید به زبان آدمیت
مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی که فرشته ره ندارد به مقام آدمیت

(هشدار به اسارت این دیوانبافته از اطلاعات با نام هوش مصنوعی در نیفتادن)

اگر این درنده خویی ز طبیعت بمیرد همه عمر زنده باشی به روان آدمیت
رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

با همترازی تعلیم و تربیت با مراتب رشد گوهر نهاد فرد انسان می‌تواند به این مقام متعالی صعود کند.

طیران مرغ دیدی، تو ز پایبند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت
نه بیان فضل کردم که نصیحت تو گفتم هم از آدمی شنیدیم بیان آدمیت

غزل شماره ۱۸ سعدی

بند بگسل، باش آزاد ای پسر چند باشی بند سیم و بند زر (حضرت مولانا)

همچنین ادبیات ایران مملو از مطالب مرتبط با فطرت، سرشت، و گوهر وجودی انسان که حصول به مقصد و مراتب رشد را رقم می زند می باشد. به بیان مولوی:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش	باز جوید روزگار وصل خویش
من به هر جمعیت نالان شدم	جفت بد حالان و خوشحالان شدم
هر کسی از ظن خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
سر من از ناله من دور نیست	لیک چشم و گوش را آن نور نیست
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست	لیک کس را دید جان دستور نیست
چون نباشد عشق راپروای او	او چو مرغی ماند بی پروای او
من چگونه هوش دارم پیش و پس	چو نباشد نور یارم پیش و پس
عشق خواهد کاین سخن بیرون بود	آینه غماز نبود چون بود
آینه ت دانی چرا غماز نیست	ز آن که زنگار از رخس ممتاز نیست

مفهوم بیت آخر نقش آموزش و پرورش را در زدودن زنگار غیر گوهر نهادی از وجود بیان می دارد. در هیچ دوره ای از زمان ضرورت انسان بودن اینقدر عیان نبوده که در عصر هوش مصنوعی پدید آمده است. تا کنون هوش مصنوعی نتوانسته دلایل متقاعد کننده ای دایر بر امکان جانشین شدن خود بجای انسان بروز دهد:

بر اساس تحقیقات دانشگاه ام. آی. تی هوش مصنوعی نمی تواند این ۵ مهارت را کسب کند. مهارت- هاییکه به آینده شغلی ما گره خورده است. نام این مجموعه مهارت را **سی یاد** فریم ورک cpod framework نهاده اند:

هوش مصنوعی نمی تواند احساس همدلی و همدردی Empathy در خود داشته باشد
 توانایی درک و احساس کردن هوش انسانی با همدلی و هوش هیجانی
 Present and networking حضور و تعامل واقعی داشتن و ارتباطات فیزیکی
 Opinion, judgement & ethic قضاوت های اخلاقی و نظر شخصی
 Creativity&imagination خلاقیت واقعی خلق از صفر فرهنگ
 Hope, vision & leadership الهام بخش بودن و رهبری کردن استراتژی را هوش مصنوعی می تواند ایجاد کند اما بینش، امید، و رهبری نمی آفریند.

با اینگونه برداشت ها از ادبیات ایران می توان بر فهرست آثار اصول فلسفه حرکت گوهر نهاد و در مقایسه با آن بر آثار ابزار هوش مصنوعی در آموزش و پرورش افزود.

این ابیات از سعدی علیه الرحمه و حضرت مولانا نشان هدف از آموزش در تعلیم و تربیت ایرانی اسلامی فرهنگ ما است. آنچه که باید امروز در پاسخ به مسایل پیش روی انسان در استفاده از اطلاعات انبوه ابزارهای فناورانه اطلاعات دیجیتالی و انبوه اطلاعات ذخیره یافته در هوش مصنوعی آموخت بسیار مهم است. مهم مورد ملاحظه قرار دادن گوهر فطری و سرشتی و ذاتی انسان است که از ۴ ماه و ده روز گذشته‌ی رشد جنین در او حلول می‌یابد..

«فلسفه گوهر نهاد» برای شخصی‌سازی تعلیم و تربیت بسیار ژرف و نوآورانه به نظر می‌رسد.

از منظر فلسفی و تربیتی:

منظور از گوهر نهاد، ذات درونی، فطرت یا جوهر وجودی انسان است، این دیدگاه ریشه در فلسفه‌های اسلامی، اگزیستانسیالیستی، و عرفانی دارد. در این نگاه، هر انسان دارای یک گوهر یکتاست که باید در فرایند تعلیم و تربیت شکوفا شود، نه اینکه با قالب‌های بیرونی سرکوب یا همسان‌سازی گردد. بنابراین طراحی شخصی‌سازی تعلیم و تربیت بر اساس گوهر نهاد شامل چند اصل کلیدی می‌شود:

- تربیت باید کشف‌محور باشد، نه تحمیل‌محور یعنی مربی باید کمک کند تا متربی گوهر خود را کشف کند، نه اینکه او را به نسخه‌ای از دیگران تبدیل کند.
- تفاوت‌های فردی مقدس‌اند چون هر گوهر نهاد منحصر به فرد است، پس برنامه‌های تربیتی باید منعطف، چندلایه و قابل تطبیق با شخصیت فرد باشند.
- رشد از درون به بیرون اتفاق می‌افتد به جای تمرکز بر نمره، ظاهر یا رفتارهای سطحی، باید بر انگیزه‌های درونی، معناجویی و خودآگاهی تمرکز کرد.
- مربی نقش راهنما دارد، نه کنترل‌گر مربی باید مثل باغبان باشد، نه نجار؛ یعنی بستر رشد را فراهم کند، نه اینکه شکل نهایی را خودش تعیین کند.

ایده گوهر نهاد با فلسفه‌های تربیتی موجود هماهنگی دارد:

جدول ۲- هماهنگی ایده گوهر نهاد با فلسفه‌ها

نسبیت با گوهر نهاد	مکتب
تأکید بر آزادی، انتخاب، و کشف معنا توسط فرد	اگزیستانسیالیسم
باور به فطرت الهی و شکوفایی آن در مسیر تربیت	فلسفه اسلامی (ابن‌سینا، سهروردی)
تمرکز بر خودشکوفایی و احترام به تفاوت‌های فردی	روان‌شناسی انسان‌گرا (مازلو، راجرز)

می‌توان عناصر «گوهر نهاد» را تعریف کرد، شاخص‌های تربیتی آن را طراحی نمود، و حتی برنامه‌ای برای اجرا در مدارس یا آموزش‌های فردی پیشنهاد داد.

چارچوب پیشنهادی برای تعلیم و تربیت بر اساس گوهر نهاد

۱. تعریف گوهر نهاد

در این فلسفه، گوهر نهاد یعنی «هویت یگانه، فطرت درونی، و استعدادهای منحصر به فرد هر انسان» که باید کشف، پرورش و شکوفا شود.

۲. اصول بنیادین تربیت گوهرمحور

توضیح	اصل
هر فرد یک مسیر رشد خاص دارد؛ تربیت باید منعطف و شخصی‌سازی شده باشد.	فردیت‌محوری
آموزش باید به فرد کمک کند تا خودش را بشناسد، نه اینکه فقط اطلاعات بیرونی دریافت کند.	کشف درونی
پرورش هم‌زمان عقل، احساس، جسم و روح؛ نه تمرکز صرف بر نمره یا مهارت‌های فنی.	رشد متوازن
رشد واقعی نیازمند مواجهه با چالش‌هاست؛ نباید فرایند رشد را تسریع یا تحمیل کرد.	رنج‌پذیری و صبر
نقش مربی تسهیل‌گر است، نه کنترل‌گر؛ باید بستر شکوفایی را فراهم کند.	مربی به‌مثابه راهنما

ابزارهای عملی اجرایی این فلسفه

- مصاحبه‌های خودشناسی برای شناخت گوهر نهاد دانش‌آموزان
- دفتر تأملات شخصی برای نوشتن احساسات، رؤیاها، و مسیر رشد
- ارزیابی‌های غیرنمره‌ای مثل پروژه‌های خلاقانه، روایت‌نویسی، یا گفت‌وگوهای فلسفی
- برنامه‌های رشد فردی با اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت بر اساس ویژگی‌های شخصی
- مراقبه و سکوت هدایت‌شده برای تقویت ارتباط با درون

چشم‌انداز نهایی

در این الگو، هدف تربیت نه «تولید نیروی کار»، بلکه «شکوفایی انسان» است. یعنی آموزش باید به انسان کمک کند تا گوهر خود را بشناسد، معنا پیدا کند، و در مسیر خودش بدرخشد.

چگونه می‌توان تدریس مفاهیم را با گوهر نهاد پیوند داد؟

تدریس معنا محور، نه محتوا محور

۱. به جای تمرکز صرف بر اطلاعات، باید از معلم پرسید: «این مفهوم چگونه به رشد درونی یادگیرنده کمک می‌کند؟» مثلاً در تدریس ریاضی، به جای تأکید بر فرمول‌ها، می‌توان بر تفکر منطقی، نظم ذهنی و زیبایی ساختارها تمرکز کرد—چیزی که با گوهر نهاد فردی هم‌راستا شود.

۲. روش‌های یادگیری فعال و خودکاو

۳. استفاده از روش‌هایی مانند:

- یادگیری مبتنی بر پرسش: دانش‌آموز خودش سؤال می‌سازد و پاسخ را کشف می‌کند.
- یادگیری زایشی: فرد از درون خود معنا و ارتباطات را خلق می‌کند، نه اینکه فقط دریافت‌کننده باشد.

- تفکر استعاره‌ای و فلسفی: برای درک مفاهیم عمیق‌تر و پیوند با تجربه‌های درونی
- این روش‌ها به فرد اجازه می‌دهند تا گوهر نهاد خود را در فرایند یادگیری فعال کند.

شخصی‌سازی محتوا و مسیر یادگیری

- هر فرد مسیر رشد خاص خود را دارد. معلم باید:
- اجازه دهد دانش‌آموزان با سبک یادگیری خودشان مفاهیم را کشف کنند.
- از ارزشیابی‌های انعطاف‌پذیر استفاده کند که به جای نمره، رشد درونی را بسنجد.
- فرصت‌هایی برای بیان تجربه‌های شخصی در ارتباط با مفاهیم فراهم کند.

ایجاد فضای امن روانی و معنوی

- برای ارتباط با گوهر نهاد، باید محیطی فراهم شود که:
- فرد احساس امنیت، احترام و پذیرش داشته باشد.
- اشتباهات به عنوان بخشی از رشد پذیرفته شوند.
- سکوت، تأمل، و گفت‌وگوهای درونی بخشی از کلاس باشند.

نقش معلم به عنوان راهنما و بیدارگر

معلم در این رویکرد:

- نه انتقال‌دهنده محتوا، بلکه بیدارگر گوهر نهاد است.

- با پرسش‌های عمیق، روایت‌های الهام‌بخش، و همراهی انسانی، مسیر رشد را هموار می‌کند.
- خودش نیز در مسیر رشد درونی قرار دارد و با مثال زیسته، الهام می‌بخشد.

اگر تربیت بر اساس گوهر نهاد باشد، هر فرد به شکل یگانه و اصیلی به شکل منحصر به خود می‌رسد، نه به نسخه‌ای همسان با دیگران.

این نگاه، هم وحدت انسانی را حفظ می‌کند، هم تکثر فردی را ارج می‌نهد—و این دقیقاً همان چیزی است که آموزش انسان‌محور باید به دنبالش باشد.

آیا بشر از نسل آدم و حواست؟

در باورهای دینی، به‌ویژه در اسلام، یهودیت و مسیحیت، انسان‌ها از نسل حضرت آدم و حوا هستند. این دیدگاه، بر وحدت نوع بشر تأکید دارد—یعنی همه انسان‌ها از یک ریشه‌اند، و در گوهر خلقت، اشتراک دارند.

از منظر علمی نیز، ژنتیک انسانی نشان می‌دهد که تمام انسان‌ها دارای شباهت‌های ژنتیکی بسیار بالایی هستند. مطالعات ژنوم انسان نشان داده‌اند که بیش از ۹۹,۹٪ از DNA انسان‌ها مشترک است. این شباهت، گواهی بر وحدت زیستی نوع بشر است.

در قرآن، انسان از «نطفه‌ای مرکب» آفریده شده است، که برخی مفسران آن را اشاره به پیچیدگی ژنتیکی و تنوع فردی می‌دانند.¹

مطالعات ژنتیکی نشان داده‌اند که برخی صفات اخلاقی مانند مهربانی، خیرخواهی و همدلی با ژن‌هایی مانند گیرنده‌های اکسی‌توسین مرتبط‌اند، اما این صفات تحت تأثیر محیط و تربیت نیز هستند.¹

ای برادر تو همان اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای نظریه وراثت دوگانه (Dual Inheritance Theory) بیان می‌کند که انسان تحت تأثیر هم ژن و هم فرهنگ رشد می‌کند، و این دو در تعامل دائمی‌اند²

نظریه گانیه و فلسفه گوهر نهاد: ترکیب مرحله به مرحله

رابرت گانیه^۹ رویداد آموزشی را برای یادگیری مؤثر پیشنهاد می‌کند. در اینجا، هر مرحله را با تدارک لازم برای فعال‌سازی گوهر نهاد فرد ترکیب می‌کنیم:

در این ترکیب، آموزش نه فقط انتقال دانش، بلکه بیدارساز گوهر نهاد انسان است. یادگیرنده از یک دریافت‌کننده منفعل، به یک کاوشگر درونی و خلاق تبدیل می‌شود. این مدل می‌تواند در آموزش رسمی، تربیت سازمانی، یا حتی مشاوره‌های فردی به کار گرفته شود.

بهتر است معلمان خود در نقش مربی در تدریس معلمان برای اجرای فلسفه گوهر نهاد عمل کنند؟ این خواسته بسیار ژرف، تحول‌گرا و آینده‌ساز است. اگر فلسفه‌ی «گوهر نهاد» را به‌عنوان بنیان تربیتی بپذیریم—یعنی باور به یگانگی، فطرت و استعداد‌های درونی هر انسان—آنگاه نقش معلم نمی‌تواند صرفاً انتقال‌دهنده‌ی دانش باشد، بلکه باید به مربی، بیدارگر و تسهیل‌گر رشد درونی تبدیل شود.

چنانچه بخواهیم چارچوبی برای تربیت معلمان در نقش مربی گوهر نهاد معرفی کنیم به شرح زیر خواهد بود:

۱. تحول در هویت حرفه‌ای معلم: از «معلم موضوع‌محور» به «مربی انسان‌محور» معلم باید خود در مسیر خودشناسی، معناجویی و رشد درونی قرار گیرد تا بتواند گوهر نهاد شاگردان را بیدار کند.
۲. آموزش فلسفه‌ی تربیتی و هستی‌شناسی انسان - آشنایی با دیدگاه‌های فلسفی درباره فطرت، رشد، و خودشکوفایی (ابن‌سینا، مولوی، راجرز، مازلو، و دیگران) تمرین تفکر فلسفی، تأمل درونی، و گفت‌وگوهای معنامحور
۳. مهارت‌های مربی‌گری در کلاس درس: گوش دادن فعال، همدلی، و ایجاد فضای امن روانی. پرسش‌گری عمیق، نه فقط پاسخ‌گویی. طراحی فعالیت‌هایی که به کشف استعداد‌های درونی منجر شوند.
۴. ارزشیابی رشد گوهر نهاد: استفاده از ابزارهای غیرمکانیکی برای سنجش تحول درونی. ارزیابی بر اساس معنا، خلاقیت، و مشارکت انسانی—نه فقط نمره و آزمون
۵. فرهنگ‌سازی در مدرسه: ایجاد جامعه‌ی یادگیرنده‌ای که معلمان در آن با هم رشد کنند. جلسات تأمل، روایت‌گری، و گفت‌وگو درباره تجربه‌های تربیتی. مربیان ارشد به‌عنوان الگوهای زیسته‌ی فلسفه گوهر نهاد

چشم‌انداز نهایی

در این مدل، معلم نه فقط آموزش‌دهنده، بلکه همراه در مسیر شکوفایی انسان‌هاست. او با شناخت گوهر نهاد خود، می‌تواند گوهر نهاد شاگردان را بیدار کند. این تحول، آموزش را از سطح انتقال دانش به سطح تربیت انسان کامل ارتقا می‌دهد.

محتوای درسی سواد آموزی با این هدف

بیاییم محتوای درسی سوادآموزی را با رویکرد «فلسفه گوهر نهاد» طراحی کنیم؛ یعنی آموزش نه فقط برای خواندن و نوشتن، بلکه برای بیدارسازی جوهره‌ی انسانی، معناجویی، و رشد درونی. این محتوا می‌تواند در کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان، نوجوانان یا حتی در برنامه‌های تربیتی سازمانی به کار گرفته شود.

چارچوب محتوای درسی سوادآموزی با رویکرد گوهر نهاد

۱. هدف کلان آموزشی

سوادآموزی به مثابه ابزاری برای شکوفایی گوهر نهاد انسان؛ یعنی یادگیری خواندن و نوشتن نه فقط برای مهارت، بلکه برای کشف خود، ارتباط با دیگران، و معنا دادن به زندگی.

۲. ساختار محتوایی پیشنهادی

واحد اول: «من کیستم؟». آموزش حروف و واژگان پایه با محوریت خودشناسی. تمرین نوشتن نام، احساسات، رؤیاها.

فعالیت: نوشتن یک جمله درباره چیزی که دوست دارم یا از آن می‌ترسم.

هدف: فعال‌سازی گوهر نهاد از طریق بیان شخصی

واحد دوم: «زندگی من» آموزش جمله‌سازی با واژگان روزمره. تمرین روایت‌نویسی ساده از یک خاطره.

فعالیت: نوشتن یک روز از زندگی خود با تمرکز بر احساسات.

هدف: پیوند سواد با تجربه زیسته و معناجویی

واحد سوم: «من و دیگران» آموزش ارتباطی (دوست، خانواده، احترام، گفت‌وگو). تمرین نوشتن نامه یا پیام محبت‌آمیز.

فعالیت: نوشتن یک جمله برای کسی که دوستش داریم یا از او آموخته‌ایم

هدف: تقویت همدلی و ارتباط انسانی از طریق زبان

واحد چهارم: «من و جهان» آموزش واژگان مربوط به طبیعت، جامعه، ارزش‌ها. تمرین نوشتن نظر درباره یک موضوع اجتماعی ساده. فعالیت: نوشتن یک جمله درباره چیزی که می‌خواهم در جهان تغییر کند

هدف: بیدارسازی مسئولیت اجتماعی و پیوند با رسالت انسانی

۳. روش‌های تدریس پیشنهادی. گفت‌وگوهای معنامحور به جای حفظ طوطی‌وار. استفاده از روایت، تصویر، و تجربه برای آموزش واژگان. تشویق به نوشتن شخصی، نه فقط تمرین‌های استاندارد. بازخورد انسانی، همدلانه و رشدمحور

۴. ارزشیابی با رویکرد گوهر نهاد:

توضیح	معیار
آیا فرد توانسته احساسات و افکار خود را بیان کند؟	بیان شخصی
آیا یادگیری برای او معنا داشته است؟	معناجویی
آیا توانسته با دیگران ارتباط انسانی برقرار کند؟	رشد ارتباطی
آیا از زبان برای خلق تجربه‌های نو استفاده کرده است؟	خلاقیت زبانی

این آموزش در قالب هریک از ده گام الگوی مدیریت آموزشی بهرنگی

در این مدل، آموزش سوادآموزی نه فقط مهارتی، بلکه مسیر بیداری انسان است. معلم در نقش مربی، با شناخت گوهر نهاد یادگیرنده، او را در مسیر معنا، ارتباط و شکوفایی همراهی می‌کند.

بیان ترکیب فلسفه گوهر نهاد با ۶ گونه عملکرد منتج از یادگیری در ۶ مرحله رابرت گانیه «پاسخدهی مشخص، زنجیر، تمیزچندگانه، دسته بندی، کاربرد قاعده و مشکل گشایی» به شرح زیر است.

ترکیب فلسفه‌ی گوهر نهاد با شش گونه عملکرد یادگیری در نظریه‌ی رابرت گانیه، می‌تواند به یک مدل تربیتی عمیق و انسان‌محور برای برنامه‌ریزی درسی و آموزشی منجر شود که نه تنها مهارت‌های شناختی را پرورش می‌دهد، بلکه به شکوفایی درونی و معناجویی فرد نیز کمک می‌کند. بیاییم هر یک از این شش مرحله را با تدارک لازم برای فعال‌سازی گوهر نهاد بررسی کنیم:

ترکیب فلسفه گوهر نهاد با ۶ عملکرد یادگیری گانیه

پیوند با گوهر نهاد	تعریف عملکرد	مرحله یادگیری
آموزش باید با محرک‌هایی آغاز شود که با تجربه زیسته و دغدغه‌های درونی فرد هم‌راستا باشند. مثلاً استفاده از واژگان یا تصاویر معنادار برای جلب توجه و فعال‌سازی احساسات درونی	پاسخ شرطی به یک محرک خاص	۱. پاسخ‌دهی مشخص (Signal Learning)
زنجیره‌سازی باید نه صرفاً مکانیکی، بلکه معنامحور باشد. مثلاً در سوادآموزی، نوشتن نام، سپس جمله‌ای درباره خود، سپس خاطره‌ای شخصی؛ یعنی زنجیره‌ای از خودشناسی تا بیان فردی	یادگیری توالی پاسخ‌ها به محرک‌ها	۲. زنجیره‌سازی (Stimulus-Response Chaining)
آموزش باید به فرد کمک کند تا تفاوت‌های معنایی، اخلاقی و انسانی را تشخیص دهد؛ مثلاً تمایز میان واژگان «ترس» «احترام» «محبت» در زمینه‌های زیسته	تشخیص تفاوت‌ها میان محرک‌های مشابه	۳. تمیز چندگانه (Multiple Discrimination)
مفاهیم باید از دل تجربه‌های انسانی استخراج شوند؛ مثلاً مفهوم «دوستی» از طریق روایت‌نویسی، گفت‌وگو، و تجربه‌های واقعی — نه فقط تعریف کتابی	درک ویژگی‌های مشترک محرک‌ها	۴. دسته‌بندی مفاهیم (Concept Learning)
قواعد باید نه فقط منطقی، بلکه اخلاقی و انسانی باشند؛ مثلاً «اگر کسی ناراحت است، باید با او همدلی کرد» به‌عنوان قاعده‌ای رفتاری در کلاس یا جامعه	استفاده از قواعد برای حل مسائل	۵. کاربرد قاعده (Rule Learning)
آموزش باید فرد را به تفکر خلاق، معنامحور و مسئولانه سوق دهد؛ مثلاً حل مسئله‌ای اجتماعی با استفاده از ارزش‌های درونی، تجربه‌های زیسته، و گفت‌وگو با دیگران	ترکیب مفاهیم و قواعد برای یافتن راه‌حل	۶. حل مسئله Problem Solving

نتیجه‌گیری

در این مدل، یادگیری نه فقط فرایند شناختی، بلکه مسیر شکوفایی گوهر نهاد انسان است. هر مرحله از یادگیری، فرصتی برای بیدارسازی استعدادهای درونی، معناجویی، و رشد اخلاقی فرد فراهم می‌کند.

روندهای آینده‌نگر در برنامه‌ریزی درسی

تربیت برای مهارت‌های قرن ۲۱:

- تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری، سواد رسانه‌ای
- برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر داده و تحلیل یادگیری

- تربیت انسان جهانی با هویت فرهنگی بومی
- تلفیق فلسفه تربیتی با فناوری‌های نوین (AR، VR، AI) 3

کاربری مفاهیم هوش مصنوعی در تلفیق فلسفه گوهر نهاد و ده گام الگوی مدیریت آموزشی و ۷ مرحله شرایط یادگیری رابرت گانیه

در اینجا یک چارچوب تلفیقی و نوآورانه ارائه می‌کنم که در آن مفاهیم هوش مصنوعی (AI) با فلسفه گوهر نهاد، ده گام الگوی مدیریت آموزشی بهرنگی و هفت مرحله شرایط یادگیری رابرت گانیه ترکیب شده‌اند. این مدل می‌تواند در برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در آموزش عالی، طراحی برنامه‌های تربیتی، و توسعه حرفه‌ای استادان به کار گرفته شود.

فلسفه تلفیقی: گوهر نهاد × گانیه × بهرنگی × هوش مصنوعی

هدف کلان: ایجاد یک مسیر آموزشی که در آن یادگیرنده نه تنها دانش کسب می‌کند، بلکه گوهر نهاد خود را کشف، معناجویی می‌کند، و با کمک فناوری هوش مصنوعی، تجربه‌ای شخصی سازی شده و تحول محور را طی می‌کند.

ابزارهای هوش مصنوعی پیشنهادی

Copilot / ChatGPT: برای تولید محتوا، گفت‌وگوهای معنامحور، و طراحی اهداف شخصی

Learning Analytics Platforms: برای تحلیل رفتار یادگیرنده و شخصی سازی مسیر

AI Presentation Tools (e.g., Beautiful.ai): برای تولید روایت‌های تصویری و انسانی

Mentimeter / Padlet / EdApp: برای ارزشیابی کیفی، بازخورد فوری، و تعامل انسانی

Narrative Analysis Tools: برای تحلیل روایت‌های دانشجویی و سنجش تحول درونی

جدول تلفیق مفاهیم در سه محور

پیوند با گوهر نهاد	نقش هوش مصنوعی	مرحله گانیه	گام بهرنگی
هدف باید با ارزش‌های درونی و مسیر رشد فردی هم‌راستا باشد	تولید اهداف شخصی سازی شده با تحلیل داده‌های یادگیرنده	آگاه سازی از هدف	۱. تعیین هدف آموزشی
شناخت گوهر نهاد از طریق تجربه‌های زیسته	تحلیل سبک یادگیری، علایق، و سوابق با AI	یادآوری آموخته های پیشین	۲. شناخت ویژگی‌های یادگیرنده

پیوند با گوهر نهاد	نقش هوش مصنوعی	مرحله گانیه	گام بهرنگی
محتوا باید معنامحور، انسانی و مرتبط با زندگی باشد	تولید محتوا با ابزارهای AI (متن، تصویر، روایت)	ارائه محرک‌ها	۳. تعیین محتوا
مسیر باید به کشف خود و شکوفایی فردی منجر شود	طراحی مسیر یادگیری انطباقی با الگوریتم‌های هوشمند	راهنمایی برای یادگیری	۴. سازماندهی محتوا
روش‌ها باید به بیان شخصی و تجربه‌محور بودن کمک کنند	استفاده از چت‌بات‌ها، پلتفرم‌های تعاملی، و تمرین‌های خلاقانه	فراخوان عملکرد	۵. انتخاب روش تدریس
بازخورد باید همدلانه، اخلاقی و تقویت‌کننده گوهر باشد	بازخورد فوری و رشدمحور با ابزارهای تحلیل زبانی و احساسی	ارائه بازخورد	۶. انتخاب رسانه‌ها و ابزارها
فعالیت‌ها باید به تجربه زیسته و مسئولیت اجتماعی پیوند بخورند	طراحی فعالیت‌های معنادار با کمک AI (پروژه، روایت، شبیه‌سازی)	ارزشیابی عملکرد	۷. تعیین فعالیت‌های یادگیری
سنجش تحول درونی — نه فقط نمره و آزمون	ارزشیابی کیفی با تحلیل روایت‌ها، احساسات، و خلاقیت	انتقال و تعمیم	۸. ارزشیابی یادگیری
اصلاح باید بر اساس رشد گوهر نهاد صورت گیرد	تحلیل داده‌های یادگیری برای اصلاح مسیر آموزشی	—	۹. بازخورد و اصلاح فرایند
بررسی میزان شکوفایی انسانی در کل برنامه	تحلیل کلان اثربخشی با داشبوردهای هوشمند	—	۱۰. ارزشیابی برنامه آموزشی

نتیجه‌گیری

در این مدل، هوش مصنوعی نه تنها ابزار تکنولوژیک، بلکه تسهیل‌گر تربیت انسانی است. با تلفیق فلسفه گوهر نهاد، نظریه‌ها و الگوهای یادگیری، الگوی شرایط یادگیری گانیه، الگوی مدیریت آموزش و یادگیری و فناوری‌های نوین، می‌توان آموزش را از سطح انتقال دانش به سطح شکوفایی انسان ارتقا داد.

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای